

نفوذ هژمونیکی و چگونگی حضور استراتژیک بازیکنان در معادله کشور ما "خط دیورند" بمثابة آتش زیر خاکستر، تکرار بازی و عوض شدن نقش ها سهمگیری منفی و ویرانگری پاکستان در نبردهای نیابتی

پس منظر سناریوهای تکرار شونده و ابزار گریز از اصل قضایا
موضعگیری های متحد وابسته یا بازیگر مستقل؟
پاکستان: فراتر از کلیشه ها
چگونه گفتن یا چه گفتن؟

هژمونی از واژه یونانی هیگیمونیا گرفته شده که بمعنای سلطان یا تسلط بردیگری است. یونانیان باستان از این اصطلاح برای نشان دادن تسلط سیاسی - نظامی یک شهر بر شهر دیگر استفاده می کردند. بین سده های هشتم و یکم پیش از میلاد، دولت سپارت بر اتحادیه پلوپونزی تسلط داشت. هژمونی در روابط بین الملل به فرادستی، سلطه جویی، چیره گی خواهی، سیادت طلبی و استیلا خواهی هم گفته شده، بوجود یک قدرت بدون رقیب جهانی که هیچ منازعی در جهان نداشته باشد گفته میشود. میان دولت ها همواره رقابتی بمنظور اعمال قدرت در سطح جهان یا منطقه وجود دارد، نمونه آن می تواند رقابت چین و ایالات متحده بمنظور افزایش نفوذ در جهان باشد. پس از جنگ جهانی اول و دوم، گروه جدیدی از دولت های فرادست (مسلط) شکل گرفت؛ این دولتها عبارت بودند از چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی، انگلیس و ایالات متحده که تاکنون بمثابة کشورهای دارای حق ویتو در سازمان ملل حضور دارند. این کشورها دارای بلند ترین سطح فرادستی (هژمونی) در جهان می باشند. فرادستی، سلطه گرایی یا هژمونی مفهومی است بمنظور توصیف و توضیح نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروه دیگر، چنانکه گروه مسلط، درجه ای از خوشنودی و رضایت گروه تحت سلطه را بدست میآورد و با "تسلط داشتن زور صرف" فرق دارد. هژمونی تسلط یا کنترل سیاسی، اقتصادی یا نظامی یک دولت بردیگران می باشد. در معنای کلی تر، نفوذ و تسلط یک جمع یا نهاد بر یک جامعه، بگونه کلی این واژه بمفهوم تسلط و برتری تعبیر می گردد که بمفهوم چیره دستی و نفوذ بیشتر بر امور دیپلوماسی و روابط دیپلماتیک بین دولت ها محسوب می گردد.

در مورد تنش های پسین افغانستان - پاکستان، این مسئله قابل یاددهانی پنداشته میشود که اداره اسلام آباد بتاریخ ۹ ماه اکتبر سال روان، بمثابة بخشی از مبارزه علیه "تحریک طالب های پاکستان"، سلسله ای از حملات هوایی را در سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیز ما براه انداخت. بتاریخ ۱۱ ماه یادشده، نیروهای امنیتی افغانستان واکنش نشان داده و بانجام حملات گسترده ای به پاسگاههای آنطرف "خط دیورند" مبادرت ورزیدند که منجر به درگیری های محلی گردید. جانب افغانستان با میانجیگری کشورهای قطر و عربستان سعودی، توقف خصومت ها را اعلام نمود، اما بتاریخ ۱۴ ماه اکتبر، تنش ها در امتداد "خط دیورند"، مجدداً تشدید گردید. بتاریخ ۱۵ ماه اکتبر، پاکستان بدرخواست جانب افغانی آتش پس موقت ۴۸ ساعته اعلام نمود. اما در مورد مشکل و معضل تروریسم در پاکستان قابل یاددهانی پنداشته می شود که در کشور یادشده، حملات و اقدامات مسلحانه ای، بویژه در ایالت های خیبرپختونخواه و بلوچستان (در همجواری افغانستان)، سازماندهی و اجرا می گردد. در ایالات های یادشده، گروه های مسلحی که مدعی دفاع از حقوق و آزادی های گروه های قومی پختون و بلوچ می باشند، اقدامات مسلحانه و حملاتی را هم علیه نظامیان پاکستانی و هم علیه غیرنظامیان آنکشور سازماندهی و اجرا می نمایند. اسلام آباد است که دسته بندی طالب های پاکستانی را بمثابة سازمان تروریستی پنداشته و مدعی می باشد که گروه یادشده در اراضی متعلق به افغانستان مستقر بوده و حملاتش را از آنجا بر علیه پاکستان سازماندهی نموده و در عمل تطبیق می نمایند، اما جانب افغانی، ادعاهای اسلام آباد را مانند همیشه رد نموده و مشکل طالب های پاکستانی را معضل داخلی کشور پاکستان

می پندارند. نباید فراموش نمود که در ایالت بلوچستان، حملات "اردوی آزادیبخش بلوچستان" نیز بگونه فزاینده ای در حال گسترش میباشد که عمدتاً بدنبال جدایی بلوچستان از پاکستان بوده و خواهان پایه گذاری و ایجاد حاکمیت بلوچ ها در این منطقه می باشند.

اما همچنان گزارش هایی نیز در مورد اظهارات شرم آور جنرال عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان موجود می باشد که در عرصه بین المللی با انتقادهایی مواجه گردید. نامبرده پس از ایراد خطابه ها و اظهارات جنجالی در نشست های بین المللی با انتقادهای و تمسخرهایی مواجه گردید. اظهار نظرهای اینچینی در نوع خود، برانگیختن موجی از اعتراض ها و نارضایتی ها را بویژه در رسانه های اجتماعی سبب گردید. منتقدان، این رهبر نظامی را به تخریب وجهه بین المللی کشورش و تحقیر غرور ملی متهم نمودند. کاربران شبکه های اجتماعی پاکستان، نظرات جنرال نامبرده را "توهین آمیز" و "احمقانه" پنداشتند. آیا باین می گویند رهبری؟ عده دیگر متذکر گردیده یادآور شدند که وضعیت یاد شده نشان دهنده این واقعیت می باشد که رهبری پاکستان به چه اندازه ای سقوط نموده و حالا دیگر نباید بانتظار شرمساری و یا سقوط بیشتر دولت بود. بگفته بسیاری ها، زمامداران پاکستانی بانهتهای خط رسیده اند، این یک طنز یا انتقاد نیست، بلکه هیچ شرمی اصلن باقی نمانده است. منتقدان یادآور شده متذکر می گردند که مقایسه اینچینی، نه تنها نشانه بد رفتاری، بلکه نشان دهنده موجودیت بحران عمیق اعتماد به رهبری نظامی پاکستان می باشد. مفسر سیاسی دیگری نویسد که عاصم منیر هر روز فکرمی کند که چگونه با جملات و ایراد بیانیه هایش، جایگاه و اهمیتش در انظار شهروندان کشورش تضعیف می گردد. برخی ها هم سخنان و اظهارات نامبرده را بازتاب هویتی گسترده تر در رهبری نظامی آن کشور پنداشته و عده ای هم اظهارات نامبرده را بمثابة ریأ کاری در تفکر ستراتیژیک پاکستان محسوب می نمایند. اگر یکتا از جنرال های بلند پایه به ستایش دیگران مبادرت ورزیده و شهروندان کشور خویش را توهین نماید، این بازگویی چه امری می باشد؟

صمد بلوچ، فعال بلوچستانی نیز برخشم فزاینده عمومی تأکید نموده و یادمانی بعمل آورد که انزجار شهروندان پاکستان روپافزایش می باشد. استفاده جنرال نامبرده از تشبیهات و استعاره های نظامی در مسایل سیاسی، در نوع خود تهدیدها و سخنرانی های بیش از حد نمایشی دور از واقعیت پنداشته می شود. در یکی از پست های توئیتر آمده است کاین اظهارات غیرمسئولانه در اهداف شخصی نهفته بوده و به وجهه و منافع پاکستان شدید آسیب می رساند. با اینحال، حاکمان غیرقابل جایگزین و نامشروع و بویژه سخنگویان آنها، پیوسته بمنظور نشان دادن و برخ کشیدن شجاعت کاذب شان به تکرار گفته ها و اظهار نظرهای آنها مبادرت می ورزند. منتقد دیگر، پرسشی را بشرح ذیل مطرح نمود: آیا اظهارات اینچینی، سطحی از هوش است؟ مسئولان و رهبران یک کشور هستوی به چه منظوری و برنیاد چه دلایلی باتخاذ موضعگیری های اینچینی متوسل می گردند؟

فرا تراز و واکنش هایی در مورد یاد شده در رسانه های اجتماعی، وضعیت یاد شده، نشان دهنده نارضایتی عمیق و گسترده از موجودیت عدم تعادل بین قدرت نظامی و محافل غیر نظامی در پاکستان بوده و همچنین از نقش فزاینده نظامیان آن کشور در تصمیمگیری های سیاسی نمایندگی می نماید. یکتا از تحلیلگران یادآور گردید که ملت ها نه با استفاده های بی معنا و بی مفهوم، بلکه با اقتصاد، نهادها و مشروعیت شان مورد قضاوت قرار داده می شوند.

اما بخاطر ما باشد که با وجود اینهمه، افغانستان و پاکستان خواستار حل و فصل معضلات و مشکلات موجود میان دو کشور از طریق گفتگو و درک متقابل شدند. اما در مورد تنش ها میان افغانستان و پاکستان باید یادمانی بعمل آورد که پس از درگیری های پسین در امتداد "خط دیورند" که بتاريخ ۱۵ ماه اکتبر آتش بس ۴۸ ساعته اعلام گردید که با حمایت ترکیه و قطر بین طرفین در دوحه پایتخت قطر تمدید گردید. دستور کار اصلی مذاکرات، تمدید آتش بس و حل و فصل درگیری ها در امتداد "خط دیورند" بوده و طرف های ذیدخل به توافق هایی در زمینه نایل گردیدند. پس از ۱۴ ساعت مذاکره در دوحه، تصمیم اتخاذ گردید تا نخستین جلسه کمیته فنی که قرار بود در مورد جزئیات آتش بس کار نماید، در ستانبول افتتاح گردد.

بگزارش وسایل اطلاعات جمعی، افغانستان و پاکستان در مذاکرات ستانبول به پیشرفت های آنچنانی دست نیافتند. نماینده های طرفین در ترکیه در مورد حل و فصل بحران موجود و ایجاد شرایط بمنظور آتش بس به بحث و گفتگو پرداختند. بگزارش خبرگزاری "طلوع نیوز" افغانستان، هیأت های دو کشور در مورد برخی از مسایل موجود به توافق هایی نایل گردیدند، قرار بود تا پس از مذاکرات، بیانیه مشترکی نشر شود که نشد.

همچنان گزارش هایی در مورد اینکه پاکستان با میانجیگری قطر و ترکیه تصمیم به از سرگیری مذاکرات و گفتگوها گرفت نیز موجود بود. جانب پاکستان بدرخواست ترکیه، بویژه پس از آنکه دورهای قبلی مذاکرات به نتایج ملموسی

منتج نگردید، بازسرگیری مذاکرات یادشده با افغانستان علاقمندی اش را ابراز نمود. هیأت پاکستانی اقامت شان را بمنظور تداوم مذاکرات در کشور میزبان تمدید نمودند. بر بنیاد اطلاعات منابع خبری مذاکرات یادشده بر مبنای تقاضای اسلام آباد از کابل مبنی بر اتخاذ اقدامات مؤثر و قاطع علیه تمامی گروه‌های تروریستی که از افغانستان علیه پاکستان فعالیت می نمایند، متمرکز بود.

رسانه ها گزارش دادند که پاکستان بدرخواست ترکیه، پس از آنکه دورهای قبلی مذاکرات به نتایج ملموسی منجر نگردید، بازسرگیری مذاکرات با جانب افغانی موافقت نمود. اما همچنان گزارش گردید که بتعداد ۱۰ تن از سربازان در امتداد "خط دیورند" کشته شدند. یاددهانی بعمل می آید که وضعیت یادشده در نتیجه درگیری بین اعضای گروه "تحریک طالب های پاکستان" و نیروهای امنیتی آن کشور بمیان آمد. بگزارش "رویترز"، واحدهای اردوی پاکستان پس از دریافت اطلاعاتی مبنی بر حضور گروه یادشده در منطقه دوگرو، عملیات یادشده را سازماندهی و اجرا نمودند. از جانب دیگر، مقامات امنیتی پاکستان مدعی گردیدند که اسلام آباد در صورت لزوم، قادر به نابودی کامل رژیم "طالب" ها می باشد. موضوع فوق توسط خواجه محمد آصف وزیر دفاع پاکستان بروز چارشنبه ۲۸ ماه اکتوبر، تکرار گردید. اظهارات وزیر دفاع کشور یادشده در بحبوحه شکست مذاکرات آتش بس منتشر گردید. نامبرده متذکر شده یادآور گردید که پاکستان نیازی ندارد تا بخشی از زرادخانه کامل خود را بمنظور عقب راندن "طالب" ها بمغاره ها بکارگیرد. نامبرده در بیانیه ای که در پلنتفرم اجتماعی "ایکس" منتشر شده خاطر نشان نمود که جانب پاکستان بارها با مقامات "طالب" ها در افغانستان در مورد تروریزم فرامرزی که در برگیرنده گروه‌هایی چون "تحریک طالب های پاکستان" و "ارتش آزادیبخش بلوچستان" می باشد، گفتگو کرده است.

اما پس از مذاکرات بدون نتیجه "ستانبول"، هیأت های نمایندگی افغانستان و پاکستان در تهران باهم دیدار نموده و آمادگی شانرا بمنظور تداوم گفتگوها و همکاری در زمینه مسایل امنیتی و ضرورت مبارزه با تروریزم مجدد اعلام نمودند. همچنان وزیر امور خارجه ایران بتاريخ ۲۸ ماه اکتوبر در حاشیه چهارمین اجلاس وزیران کشورهای عضو سازمان اقتصادی "ایکو" در تهران از هیأت نمایندگی افغانستان استقبال بعمل آورد. قابل یاددهانی پنداشته می شود که اختلاف نظرها در بسا مسایل مورد بحث نه از طریق تقابل و رویارویی، بلکه با استفاده از طرق مذاکره و گفتگو می توان بحل و فصل آنها مبادرت ورزید. مسایل عمده و بنیادی مورد بحث در نشست یادشده عبارت بودند از مبارزه مشترک علیه افراط گرایی، ایجاد اعتماد و توسعه روابط و مناسبات ستراتیژیک میان هر دو کشور.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که مذاکرات و گفتگوهای ستانبول که بتاریخ ۲۷ ماه اکتوبر سالروان با میانجیگری ترکیه و قطر آغاز گردید، بدلیل موجودیت اختلاف نظر بویژه در مورد مسایل امنیتی، بدون نتیجه به پایان رسید. با اینهمه، بر بنیاد اظهار نظرهای کارشناسان و کاربران شبکه های اجتماعی، دیدار یادشده در تهران بمثابة نخستین زیگنال مثبت بمنظور از سرگیری گفتگوها و مذاکرات کابل و اسلام آباد تلقی می گردد. اما در مورد گفتگوهای بدون نتیجه ترکیه بایست یاددهانی بعمل آید که بنابر گزارش های بنشر رسیده، هیأت پاکستانی در امتداد مذاکرات از هیأت افغانی تقاضا بعمل آورد تا علیه آنده از گروه‌هایی که بانجام حملات مسلحانه در داخل پاکستان مبادرت می ورزند، اقداماتی را انجام دهد، اما طرف افغانستان تقاضای یادشده را غیرواقعبینانه تلقی نموده و تأکید بعمل آمد که اعضای گروه "تحریک طالب های پاکستان"، شهروندان پاکستانی بوده و اسلام آباد موظف است تا مسایل و موضوعات داخلی خویش را در محدوده پاکستان حل و فصل نماید.

همچنان پاکستان خواهان آن شد تا جانب افغانستان مسؤلیت حملاتی را که در داخل قلمرو متعلق به پاکستان رخ می دهد بر عهده گیرد. پاسخ هیأت افغانی چنین بود که تأمین امنیت در داخل اراضی قلمرو متعلق به پاکستان، مسؤلیت نیروهای امنیتی خود این کشور بوده و کابل بر اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، بویژه با در نظر داشت و پذیرفتن اصول پذیرفته شده بین المللی و رعایت حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی کشورها همجوار، پابند و متعهد می باشد.

همچنان از جانب هیأت افغانی پیشنهاد گردید تا پاکستان تضمین هایی مبنی بر عدم مداخله در حریم هوایی افغانستان ارائه نموده و از تکرار استفاده از پهبادهای امریکایی بمنظور حمله به افغانستان خودداری بعمل آورد. همچنان کابل خواستار عدم استفاده "داعش" از اراضی متعلق به پاکستان بمنظور انجام فعالیت های گروه یادشده علیه افغانستان گردید.

با اینحال، هیأت مذاکره کننده پاکستانی پس از گفتگوی تیلیفونی با مقامات اسلام آباد، رضایت شان را پس گرفته و متذکر گردیدند که نمی توانند پرواز پهبادهای امریکایی بر فراز افغانستان را محدود نمایند.

بگفته برخی از منابع آگاه، جنرال اسلم بمتابه رئیس هیأت پاکستانی، بگونه مستقیمی متذکر گردید که کشورش با ایالات متحده توافقاتی را عقد نموده است که بر بنیاد آن به واشنگتن اجازه می دهد بمنظور انجام حملاتی به افغانستان، از حریم هوایی پاکستان استفاده نماید. همچنان بر بنیاد گزارش های منتشر شده، همزمان با ابراز نگرانی سازمان ملل از شکست مذاکرات و گفتگوهای یاد شده، خواجه محمد آصف وزیر دفاع پاکستان گفت که اگر مرزهای کشورش مورد حمله قرار گیرد، اقدامات تلافی جویانه ای انجام داده و اگر نیاز باشد به حمله و انجام عملیات مسلحانه در داخل قلمرو اراضی افغانستان مبادرت خواهند ورزید.

همزمان با ختم بدون نتیجه مذاکرات بین دو کشور در استانبول، اظهارات تهدید آمیز وزیر دفاع پاکستان علیه "طالب" ها در افغانستان به چه معنا و مفهومی تعبیر می گردد؟

وزیر دفاع پاکستان که قبلاً هند را بدخالت در شکست مذاکرات پاکستان با "طالب" ها متهم کرده بود، افزود که کار آنها با هیأت "طالب" ها به پایان رسید و برای میانجی ها مشخص گردید که "طالب" ها با حسن نیت رفتار نمی کنند. از جانب دیگر، "طالب" ها در کابل اعلام نموده و با صراحت متذکر گردیدند که در درگیری ها و جنگ های منطقوی میان هند و پاکستان بهیچوجه مشارکت نخواهند ورزید.

بر بنیاد گزارش های وسایل اطلاعات جمعی، پاکستان بدرخواست ترکیه، مذاکرات با جانب افغانی را از سر گرفت. اسلام آباد پیش از این گفته بود که مذاکرات در راستای توافق بر حفظ آتش بسی که در دوحه پایتخت کشور قطر حاصل شد، متمرکز خواهد گردید. همچنان یاددهانی بعمل آمد که دو کشور به تداوم گفتگوهای سیاسی و ادامه آتش بسی همچنان پایبند بوده و آنرا حفظ خواهند نمود.

قرار اظهارات وزارت امور خارجه ترکیه، مسأله یاد شده را می توان بمتابه نتیجه مذاکرات دوجانبه افغانستان و پاکستان در استانبول پنداشت. قابل تذکر پنداشته می شود که طرفین موافقت نمودند تا بمنظور حفظ صلح در منطقه و پاسخگودانستن طرف متخلف، نظارت ها و بررسی هایی را در زمینه انجام دهند.

قرار بر آن شد تا جلسه بعدی بتاريخ ۶ ماه روان در همان شهر کشور ترکیه برگزار گردد. انتظار برده می شود که در مقطع زمانی یاد شده، بگونه کاملی در مورد طرق و راهای حفظ و تداوم آتش بسی بموافقت های نایل گردند.

در اواخر هفته پسین، هیأت های از جانب افغانستان و پاکستان بمنظور بحث و گفتگو در مورد راهها و وسایل نیل به حل و فصل مناقشه هایی که در امتداد "خط دیورند" بوقوع پیوست، گرد هم آمدند.

یکشنبه ۱۱ ماه عقرب سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۲ ماه نوامبر سال ۲۰۲۵ ترسایی